

یادداشت

مجلس پرحاشیه، میراث پایین‌ترین مشارکت انتخابات

محمد یوسفی‌آرامش

● شرایط سخت سال گذشته ایران، اتفاقات آبان، گرانی، تورم و ناتوانی دولت در عمل به بعضی از وعده‌های خود، در کنار یکدیگر موجب آن شدند تحلیلگران و صاحب‌نظران همگی به این اجماع برسند که مشارکت مردمی در انتخابات مجلس یازدهم پایین خواهد بود و در عمل نیز همین‌طور شد! پایین‌ترین مشارکت انتخابات تاریخ ایران با حدود ۴۲ درصد در کشور و ۲۶ درصد در تهران رقم خورد، مشارکتی ضعیف که در کنار ردصلاحیت‌های گسترده، موجب شد افرادی با آرای بسیار پایین، موفق به کسب کرسی مجلس شوند. بسیاری از این چهره‌ها برای اولین‌بار، بدون برنامه شفاف‌ی به مهم‌ترین نهاد قانون‌گذاری کشور راه یافتند. با گذشت حدود پنج هفته از افتتاح این مجلس، اظهارنظرها و اقدامات پرحاشیه برخی از نمایندگان مجلس یازدهم، بدون استثنا هر هفته سرتیتر رسانه‌ها بوده و شگفتی صاحب‌نظران و فرهیختگان را برانگیخته است.

اظهارنظرهایی که دامن‌ا این پیام نگران‌کننده را برای مخاطب خسته و نگران ایرانی ارسال می‌کند که برخی از نمایندگان پارلمان ملی کشور، درک صحیحی از وضعیت آشفته اقتصادی کشور و نگرانی‌های مردم ندارند. در هفته‌های اول، پیشنهاد ختم قرآن از سوی نماینده‌ای در مجلس مطرح شد، پس از آن شاهد اظهارنظرهای نماینده‌ای بودیم که خواهان کنترل و شنودشدن از سوی نهادهای امنیتی بود و نماینده دیگری امیدوار است ترامپ مجدداً رئیس‌جمهور شود، چراکه تحریم برای کشور فرصت است؛ این اظهارنظرها در حالی مطرح می‌شود که سفره مردم و افزایش ناراضیاتی اجتماعی و اقتصادی گواه چیز دیگری است؛ اما داستان به اینجا ختم نشد و اقدامات برخی در قطع مکرر سخنرانی وزیر امور خارجه، حاشیه‌ها را به اوج خود رساند؛ نه‌طی‌ای که به سرتیتر اخبار رسانه‌ها تبدیل شد.

نگارنده اهمیت برخی از ارزش‌ها و مفاهیم را در ساختار اجتماعی کشور انکار نمی‌کند و برای آن احترام قائل است؛ اما مگر نه آنکه امام اول شیعیان در سقارشی به محمد حنیفه فرمودند «ای فرزندم، من از تهیدستی بر تو هراسانم.» فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان کند و عامل دشمنی است». اظهارنظرها درباره فیلترنگی اینستادگار با تلاش برای اصلاح اجتماعی برخی از سطوح جامعه و تقلا برای محدودسازی آنها، درست در زمانی که در سخت‌ترین آزمون اقتصادی ایران قرار داریم، عقلانی و به‌هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست. همچنین نماینده مجلسی که نتواند آزادی‌های فردی خود را تأمین کند، چگونه می‌تواند صدای یک ملت باشد؟! نگرانی‌ها آنجا افزایش پیدا می‌کند که چندی قبل نماینده‌ای در مصاحبه با خبرگزاری خانه ملت مطرح کرد با وجود ۵۰ حقوق‌دان در میان نمایندگان، تقاضای کمی برای حضور در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس وجود دارد، او همچنین تصریح کرد خوشبختانه کمیسیون قضائی و حقوقی سفر خارجی ندارد و مانند کمیسیون‌های اقتصادی مجلس نیست تا نامزدی در انتخابات هم به اعتقاد من نیروهای مورد تأیید را مطرح می‌کنند و در جلسه‌ای که نزدیک به ۳۰ حزب در آن حضور دارند، نکات مثبت و منفی افراد بررسی می‌شود و برگزیده فهرست، کاندیدای ماست.

● **نقش مجمع روحانیون مبارز با حضور چهره‌های مطرح از جمله آقای موسوی‌خوئینی‌ها در تصمیم‌های اصلاح‌طلبان چیست؟ آیا حزب اتحاد ملت رای مضاعفی در تصمیم‌گیری‌ها دارد؟**
ما با پدرسالاری سیاسی مخالف هستیم؛ حتی مجمع روحانیون هم نباید نقش پدرسالار را بازی کند و مانند همان حزبی که نام برید، یکی از احزاب شورای عالی است. آنها حق ندارند برای بقیه تعیین تکلیف کنند. حرف ما این است که دیوراساسی احزابی که خط‌مشی اصلاح‌طلبی را پذیرفته‌اند، این است که رایزنی کنند و با جلسات کارشاسانه و منطقی افراد، بیابند و ایده‌های خود را بیان کنند و با رای‌گیری تصمیم‌ها گرفته شود. احزاب هم رای مضاعف ندارند. بعضی از احزاب رای خودساخته دارند، وقتی از یک حزب پنج نفر شرکت می‌کردند، بعضی‌ها هم حزب نبودند که با مصلحت‌اندیشی برادر عزیزمان آقای خاتمی و آقای عارف، در جلسات شرکت کردند و این کار قطعاً مهندسی را است.

● **شرایط سیاسی امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ نتیجه انتخابات دوم اسفند تا چه‌مد محصول رفتار اصلاح‌طلبان و تا چه‌مد نتیجه برخورد شورای نگهبان بود؟**

هر حرکت اجتماعی‌ای بازخوردش از همان حرکت اجتماعی است؛ بنابراین اصلاح‌طلبان نیز در نقطه‌ای گرفتار شدند که باید بین صفر یا صد یکی را انتخاب می‌کردند. در نتیجه باید به تب راضی می‌شدند، از ترس مردن و ما کاندیدای اصلی‌مان حسن روحانی نبود، کاندیدای اصلی ما شخصیت‌هایی هستند که شورای نگهبان با رافت و دقت درباره آنها عمل نمی‌کند. یک‌سری ایده برای خودشان دارند و هرکسی هم می‌تواند به هر شکل فکر کند اما سود و زیانش را در جامعه نشان می‌دهد؛ و ما دیدیم که در انتخابات جمعیت اخیر از جمعیت چندمیلیونی تهران چند درصد شرکت کردند؟ در مجلس اول، تهران چقدر جمعیت داشت؟ من یک میلیون رای آوردم و در مجلس سوم دو میلیون رای آوردم؛ درحالی‌که الان نفر اول تهران با تمام امکاناتی که در اختیارشان بود، این نهایت رای‌شان است. با اینکه جمعیت الان با گذشته قابل قیاس نیست، نفر آخر ما در مجالس قبلی از نفر اول مجلس امروزی بیشتر رای می‌آورد؛ بنابراین اصلاح‌طلبان در یک عمل انجام‌شده قرار گرفتند. ما معتقدیم قهر با صندوق مشکل را حل نمی‌کند؛ البته ممکن است انسان به جایی برسد که کاندیدایی ندارد به آن رای دهد، آن موقع چرا باید رای بدهد؟ گروه بسیار کمی از اصلاح‌طلبان هم طبیعی بود که عصبی باشند، اصلاح‌طلبان آمده بودند که مجالس اصلاح‌طلب باشند نه سازشکار. رئیس‌جمهور رای مستقیم آورده است، الان وزیر علومش بیست‌ودومین نفری است که معرفی کرده و طبیعی است عده‌ای از اصلاح‌طلبان خسته شوند. از طرفی چه کار باید می‌کردیم؟ عده‌ای که نمی‌خواهم اسم ببرم معتقد بودند چرا باید شرکت کنیم؟ ما معتقد بودیم راه نجات کشور از صندوق انتخابات می‌گذرد، من معتقدم در دنیای امروز حرف اول و آخر را احزاب می‌زنند، احزاب قوی، نه احزاب بخش‌نامه‌ای و دیکته‌شده بلکه احزاب برخاسته از توده مردم و دارای مانیفست روشن و معین و کادرساز. در دنیای امروز احزاب جدای از کسب قدرت، کارشان کادرسازی است.

● **با وجود تصمیم بر شکل‌گیری پارلمان اصلاحات، طرح سرا و دموکراتیزه‌کردن تصمیم‌های احزاب اصلاح‌طب که تاکنون نیز اتفاق نیفتاده است، نامزد انتخابات ۱۴۰۰ چگونه انتخاب خواهد شد؟ علت محقق‌نشدن پارلمان اصلاحات چه بود؟**

موضع من و تشکیلات وابسته من یعنی مجمع نیروهای خط امام از اول بر این بود که احزاب در شورای هماهنگی اصلاح‌طلب جمع شوند و این شورا تقویت شود و احزاب ملی کشور کنار هم بنشینند؛ اما اینکه یک‌سری را آقای خاتمی یا عارف معرفی کند و از یک حزب پنج نماینده باشد و از حزب دیگری کسی شرکت نکند، ما معتقدیم راه اداره کشور این نیست؛ مثلاً من شرکت نمی‌کردم. راه اداره کشور این است که در یک شورا مثل شورای هماهنگی که از نظر وزارت کشور قانونی هم هست، همه جمع شوند در وقت‌های اضطراری و تصمیم‌ها گرفته شود. برای نامزدی در انتخابات هم به اعتقاد من نیروهای مورد تأیید را مطرح می‌کنند و در جلسه‌ای که نزدیک به ۳۰ حزب در آن حضور دارند، نکات مثبت و منفی افراد بررسی می‌شود و برگزیده فهرست، کاندیدای ماست.

● **نقش مجمع روحانیون مبارز با حضور چهره‌های مطرح از جمله آقای موسوی‌خوئینی‌ها در تصمیم‌های اصلاح‌طلبان چیست؟ آیا حزب اتحاد ملت رای مضاعفی در تصمیم‌گیری‌ها دارد؟**
ما با پدرسالاری سیاسی مخالف هستیم؛ حتی مجمع روحانیون هم نباید نقش پدرسالار را بازی کند و مانند همان حزبی که نام برید، یکی از احزاب شورای عالی است. آنها حق ندارند برای بقیه تعیین تکلیف کنند. حرف ما این است که دیوراساسی احزابی که خط‌مشی اصلاح‌طلبی را پذیرفته‌اند، این است که رایزنی کنند و با جلسات کارشاسانه و منطقی افراد، بیابند و ایده‌های خود را بیان کنند و با رای‌گیری تصمیم‌ها گرفته شود. احزاب هم رای مضاعف ندارند. بعضی از احزاب رای خودساخته دارند، وقتی از یک حزب پنج نفر شرکت می‌کردند، بعضی‌ها هم حزب نبودند که با مصلحت‌اندیشی برادر عزیزمان آقای خاتمی و آقای عارف، در جلسات شرکت کردند و این کار قطعاً مهندسی را است.

● **به نظر شما آقای خاتمی رهبر جریان**

سیاست

هادی غفاری در گفت‌وگو با «شرق»:

با پدرسالاری سیاسی مخالفم

به تب راضی شدیم وگرنه کاندیدای ما حسن روحانی نبود



غفاری

احمد طایلبان، ایران

امیرحسین جعفری: عملکرد سیاسی چندسال اخیر اصلاح‌طلبان از انتخابات مجلس در ۹۴ تا کنون با چالش‌های بخصوصی همراه بوده است و هرچه بیشتر از شعارها و منطق اصلاح‌طلبانه‌ای که هنوز تعریف مشخصی نیز از آن وجود ندارد، دور شده است. در دهه ۷۰ گفته می‌شد اصلاحات از عباس عبدی تا عباس دوزدوزانی با این تفاوت که در آن بازه زمانی اتحادی حول محور باوری مشخص وجود داشت که اکنون تضادهای درونی این جریان از بهزاد نبوی تا سعید حجازیان و دیگران و اختلاف‌نظر میان اصلاح‌طلبان در راستای برخورد با پدیده‌های سیاسی-اجتماعی و عکس‌العمل‌های متفاوت در تصمیم‌گیری‌ها، آنها را در چندراهه‌های سختی قرار داده است که گاهی ناچار به پذیرش وضع موجود بدون هیچ‌گونه خواسته اصلاح‌طلبانه‌ای شده‌اند. بهترین راه قضاوت یک جریان سیاسی برشش از نیروهای تأثیرگذار یا تعیین‌کننده آن است تا از درون جریان و با منطق تشکیلاتی خودشان وضعیت حقیقی خود را شرح دهند؛ در همین راستا گفت‌وگو کردیم با هادی غفاری، مبارز پیش از انقلاب، زندانی ساواک، نماینده مجلس‌های اول و سوم، عضو شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام و عضو شورای عالی اصلاح‌طلبان.

اصلاحات است؟ بحث‌های مطرح‌شده از سوی کارگزاران درباره عدم یا ضعف رهبری خاتمی از چه نظر است؟

نظر من این است که در جریان اصلاحات ممکن است آقای خاتمی قابل احترام باشند و احزاب از او مشورت بگیرند و اخلاقاً ایشان را بپذیرند، اما راهکار قانونی این نیست که پدرسالاری حاکم باشد. این دیکتاتوری است؛ چه دیکتاتوری اصلاح‌طلبی باشد و چه دیکتاتوری اصولگرایی؛ باید به آرای عمومی اجازه دهیم مثل همین شورای هماهنگی.

● **اتلاف سال‌های ۹۲ و ۹۴ را که عمدتاً پیرو ایده‌های آقای بهزاد نبوی و حزب کارگزاران است، چگونه می‌بینید؟ آیا این سیاست نتیجه داد، و روحانی پاسخ‌گوی مطالبات اصلاح‌طلبان بوده است؟**

قطعاً این ایده جواب نداده است و جواب هم شورای هماهنگی اصلاح‌طلب نمی‌توانند کاندیدای غیراصلاح‌طلب داشته باشد. مردم از ما پشتیبان نیستند، وقتی شما صد نادرید، به ۴۰ هم راضی می‌شوید؛ مشخص است عملکرد ۴۰ ضعیف است. دو راه وجود داشت: اول قهر با صندوق که نظر بخشی از اصلاح‌طلبان بود که شوروی محترم نگهبان جلوگیریانه برخورد کرد. نقد صریح من این بود که یکی از نمایندگان مجلس قبل گفت چون قصد کاندیداتوری ندارم، با صراحت حرف می‌زنم. این حرف کاملاً غیراخلاقی است؛ چرا انسان باید بترسد از حرف‌زدن؛ مگر ما انقلاب کردیم که بترسیم؟ مگر مردم انقلاب کردند که نمایندگان ترسو باشند؟ شما حرف‌های مرحوم بهشتی و مطهری را نگاه کنید، حرف‌های آنها مانیفست انقلاب است. خاطرم هست یک روحانی در تهران بود که به امام بدویبراه می‌گفت، من و آقای موسوی‌اردبیلی به خدمت امام رفتم و مطرح شد که وقتی مسجد جزو ارکان این نظام است و شخصی در آن به شما بد می‌گوید، با این آدم چه کار کنیم؟ امام فرمودند مردم پشت سرش نماز می‌خوانند؟ گفتیم بله می‌خوانند، فرمودند وقتی مردم کسی را قبول دارند، شما به چه حقی می‌خواهید دخالت کنید؟ اسام تا این حد به مردم اعتماد داشت. البته یک مشکل ما، ساختاری است؛ ما عادت کرده‌ایم هر کسی را نمی‌پسندیم، متهم کنیم به انگلیسی و آمریکایی‌بودن؛ نه این کارها نیست؛ ما فکرمان با شما نمی‌خواند، ما انقلابان را دوست داریم، یک قران از پول این ملت را نخوردیم، اما این روش را قبول نداریم، شما بروید در دبیرستان‌ها ببینید چند درصد نماز می‌خوانند؟ ما این را می‌خواستیم؟ ما برای این انقلاب کردیم؟ من توصیه می‌کنم اندر حکایت خودمداری ایرانیان که اگر پول داشت‌م هزار نسخه می‌خریدم و به

قطعاً این ایده جواب نداده است و جواب هم شورای هماهنگی اصلاح‌طلب جمع شوند و این شورا تقویت شود و احزاب ملی کشور کنار هم بنشینند؛ اما اینکه یک‌سری را آقای خاتمی یا عارف معرفی کند و از یک حزب پنج نماینده باشد و از حزب دیگری کسی شرکت نکند، ما معتقدیم راه اداره کشور این نیست؛ مثلاً من شرکت نمی‌کردم. راه اداره کشور این است که در یک شورا مثل شورای هماهنگی که از نظر وزارت کشور قانونی هم هست، همه جمع شوند در وقت‌های اضطراری و تصمیم‌ها گرفته شود. برای نامزدی در انتخابات هم به اعتقاد من نیروهای مورد تأیید را مطرح می‌کنند و در جلسه‌ای که نزدیک به ۳۰ حزب در آن حضور دارند، نکات مثبت و منفی افراد بررسی می‌شود و برگزیده فهرست، کاندیدای ماست.

● **به نظر شما آقای خاتمی رهبر جریان**

باید با دنیا تعامل کنیم. به خدا قسم تعامل با دنیا و حتی دشمن به معنای وادادگی به دشمن نیست. ما حرفمان را می‌زنیم و جدی هستیم. ما قبل از اینکه با دنیا موازنه داشته باشیم، باید در درون با خودمان موازنه داشته باشیم.

● **نامه اخیر آقای خوئینی‌ها را چگونه می‌بینید؟**
اینکه ما در گذشته خیلی کارها کرده‌ایم که امروز به ما نقد می‌کنند، این حق تمام مردم است؛ چون یک روزی آقای خوئینی‌ها ریختند لانه جاسوسی را گرفتند. باید امروز در سرنشاز بزنیم؟ این منطق غلطی است. اگر یک بازیکن گل به خودی زد و بعد به نتیجه رسید که اشتباه کرده است، باید چوب به سر او بزنیم؟ مگر پیغمبر این‌گونه عمل می‌کرد؟ مگر کسانی که یاران پیامبر شدند، از قبل از آسمان آمده بودند؟ خیلی از آنها بت هم می‌پرستیدند. این روش بسیار ناجوانمردانه‌ای است که به جای جواب‌دادن به افراد گذشته را مطرح کنیم، من کاری به متن نامه و شخص آقای خوئینی‌ها ندارم. نباید از گذشته عهده‌گشایی کنیم.

● **یک خاطره شنیده‌نشده از عملی که از آن ششیمان باشید، دارید؟ یا خاطره‌ای که کمتر از دوران انقلاب گفته شده باشد.**

بحث پشتیبانی نیست. من از گذشته‌ام پشتیبان نیستم؛ اما نقد می‌کنم. مگر من رفتارهای پدر و مادرم را نقد نمی‌کنم. مگر فقهای ما نظرات فقهای بزرگ ما را نقد نمی‌کنند؟ تخطئه دیگران از الطاف الهی است، برای انسان که انسان کسانی را که خطا کرده‌اند با چشم اینکه خطا کرده‌اند، ببیند و بیش از آن خودش را ببیند. ما در روزگاری با سرعت خیال می‌کردیم که انقلاب پیروز شده و حالا بگیر و ببند و بنز؛ اما جواب نمی‌دهد و نداد آن موقع. اگر خوب‌تر از این می‌فهمیدیم، حالا این نبودیم. برخورد ما با دشمنانمان، با آمریکا و دیگران می‌توانست به گونه دیگری باشد. البته حساب اسرائیل جداسست. آنها مشروعبیت ملی ندارند و هیچ چیز نیستند. از خطا کرده‌ایا شنیده‌نشده هم می‌توانم بگویم من چند بار با حضرت امام جریوبحث کردم، ما هر وقت می‌خواستیم، با حاج احمد آقا تماس می‌گرفتم و می‌رفتم بیت امام. یک بار که مشرف شدیم، بحث کنید و چریک‌های فدایی بود و امام با روش‌های ما موافق نبود. به امام گفتیم آقا شما خیلی کردی کشور فقط ری می‌خواست؛ برای ما هم هست. امام خندید. وقتی بلند شدیم، ما را بوسید و گفت انقلاب برای شماهاست، خاطرم هست شهید بهشتی در سال اول انقلاب به مسعود رجوی پیشنهاد داد شما بیاید شهردار تهران شوید. ما در شورای انقلاب مطرح می‌کنیم و تصویب می‌شود. آقای مهدیان شاهد است. آقای بهشتی اصطلاحی داشت که می‌گفت انقلاب دافعه حداقلی و جاذبه حداکثری داشته باشد و تا می‌توانید جذب کنید. حتی تعبیر یکی از دوستان ما این بود که دشمن را تبدیل کنید به بی‌طرف، بی‌طرف را به یار خودمان و یار خودمان را به فدایی خودمان. آقای بهشتی معتقد بود، اینها را باید جذب کرد. اینها بچه‌های انقلابیاند.

● **شما شاید عینی این واقعه بودید که شهید بهشتی به مسعود رجوی پیشنهاد شهرداری تهران را داد؟**
بله، من هنوز نمرده‌ام. آقای مهدیان هم شاهد است. از ایشان پرسید؛ اما آقای رجوی مشکلسن التقاط بود؛ تفکری آمیخته از مارکسیسم و اسلام که نقای هم در رفتارش دیده می‌شد که این تشکیلات را از بین برد؛ درحالی‌که بچه‌های اصل و اولیه سازمان مجاهدین خلق ازجمله شریف‌واقتی و حنیف‌زاد بسیار پاک و وارسته بودند. من نوجوان بودم که با اینها کار کردم. در بازار به سازمان وجوهات شرعی می‌دادند؛ اما بعد به التقاط افتادند و سال۵۴ مارکسیست‌ها غلبه پیدا کردند. از جمله کسانی که در سازمان محکوم به اعدام شدند، یکی من بودم؛ اما هادی غفاری آدمی نبود که آنها بتوانند او را بکشند. من عضو سازمان نبودم، اما مبارزی بودم که خط مقدم مبارزه با امپریالیسم شرق و غرب بودم. من در جلسه‌ای خطاب به یکی از آقایان که من را رد صلاحیت کرده بود، گفتیم آن روزهایی که در زندان زیر شکنجه و شلاق بودم، شما در دانشگاه‌های خارج از کشور نوشابه می‌خوردید. الان که با شما صحبت می‌کنم، خدا را به شهادت می‌طلبم پاهای من دارد می‌سوزد. من هیچ‌گونه مشکل جسمی ندارم؛ اما کابل‌هایی که من زده‌اند، از سال ۵۳ من را اذیت می‌کنند. از آن موقع بیش از ۴۰ سال می‌گذرد. من فک مصنوعی دارم. آقای ازغندی آن چنان با پوتین به فک من زد که چند ماه نمی‌توانستم درست غذا بخورم. بچه‌های امروز شاید ندانند آپولو و به پتکه بستن یعنی چه.

● **از این موقع پیش از آن روزهایی که در زندان زیر شکنجه و شلاق بودم، شما در دانشگاه‌های خارج از کشور نوشابه می‌خوردید. الان که با شما صحبت می‌کنم، خدا را به شهادت می‌طلبم پاهای من دارد می‌سوزد. من هیچ‌گونه مشکل جسمی ندارم؛ اما کابل‌هایی که من زده‌اند، از سال ۵۳ من را اذیت می‌کنند. از آن موقع بیش از ۴۰ سال می‌گذرد. من فک مصنوعی دارم. آقای ازغندی آن چنان با پوتین به فک من زد که چند ماه نمی‌توانستم درست غذا بخورم. بچه‌های امروز شاید ندانند آپولو و به پتکه بستن یعنی چه.**

● **در جلسه معاون اول رئیس‌جمهور با مدیران وزارت خارجه مطرح شد**
بخش دستاورد خوبی داشته‌ایم.
ظریف: در مقابل دوستان داخلی هم مجبوریم از خوددفاع کنیم
در این جلسه وزیر خارجه و معاون سیاسی او نیز اظهارات مهمی داشتند. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، در این نشست اظهار کرد: «امروز وزارت امور خارجه در صحنه خارجی با کشورها و گروه‌هایی مواجه است که از همه توان خود برای

ادامه در صفحه ۴



الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۰۳۰۰۴۶۹۹

● **وزارت بهداشت درباره ویپ اطلاع‌رسانی کند.**
معمولاً استفاده از سیگار و قلیان مضرات فراوانی دارد و بارها درباره این موضوع از سوی پژوهشگران، پزشکان و مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هشدار داده شده است. حتی روی بسته‌های سیگار و توتون‌های میوه‌ای به مصرف‌کنندگان درباره سرطان‌زایی آنها، پیام‌های هشداردهنده چاپ شده است؛ اما کمتر کسی به این‌گونه مسائل توجه می‌کند. بیشتر خانواده‌ها و به‌ویژه دختران و پسران جوان در جمع‌های خانوادگی و دوستانه سیگار و قلیان‌شان به جاست. برخی کارخانه‌ها و شرکت‌ها و اسپانسرهای، برای فروش محصولاتشان بدون درنظرگرفتن مضرات آنها، تبلیغات گسترده‌ای می‌کنند تا بتوانند درآمد و سود بیشتری کسب کنند و سلامت مردم برایشان مهم نیست. از مضرات سیگار و قلیان که بگذریم، مدتی است وسیله‌ای کوچک و جیبی به نام «ویپ» از سوی طراحان و سازندگان خارجی به کشور تولید و به‌راحتی وارد کشور ما شده است و پس از دو ساعت شارژ می‌شود و قابل استفاده است. این وسیله که قیمت‌های متفاوتی دارد، توانسته برخی خانواده‌ها به‌ویژه جوانان را جذب کند اما هنوز درباره اینکه آیا «ویپ» هم مانند سیگار و قلیان ضرر دارد یا نه هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست. قطعاً هر دودی برای بدن مضر است که امیدوارم مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و آزمایشگاه‌ها درباره این موضوع تحقیق و به‌خوبی اطلاع‌رسانی کنند.

● **چرا قهوه‌خانه فقط یک روز پلمپ شد؟ چرا قهوه‌خانه ...**
واقع در پایین‌تر از میدان شهدای تهران فقط یک روز پلمپ شد و درحال‌حاضر با قلیان پذیرای مشتریان است؛ درحالی‌که سایر همکارانش نباید به مشتریان قلیان ارائه دهند و مشکلات فراوانی به‌خاطر عرضه‌نکردن قلیان تحمل می‌کنند.

● **ایرنا، مسعود پزشکیان درباره حاشیه‌های ایجادشده در جریان گزارش روز یکشنبه‌ی وزیر خارجه گفت:**
چنین برخورد‌ها، توهین‌ها و حرف‌هایی نه اسلامی، نه انسانی و شرعی و اخلاقی است و از نظر منطقی هم پذیرفتنی نیست. اگر ما واقعاً مسلمان هستیم و منطق و حرفی برای گفتن داریم، منطقی حرف بزنیم، نقد و سوال کنیم؛ اینکه با توهین حرف خود را پیش ببریم، برازنده نماینده و جایگاه مجلس نیست.

● **او همچنین درباره طرح سؤال از رئیس‌جمهور از سوی برخی نمایندگان، افزود:**
کلیت قضیه محل ایراد است، از عمر دولت یک سال باقی مانده و در چنین وضعیتی که وحدت و یک‌صدایی ما بیش از هر زمانی ضروری است، چنین اقدامی به صلاح کشور نیست. اینکه نشان دهیم که دولت یک ساز می‌زند، مجلس یک ساز و قوه قضائیه ساز دیگر، به نفع انقلاب و مملکت نیست.

هشدار به معاندان و گروهک‌های تروریستی در مرزهای ایران

● **تسنیم:**
سردار احمدعلی گودرزی، فرمانده مرزبانی نیروی انتظامی، در حاشیه سفر به استان سیستان‌وبلوچستان با سردار محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند و بر تقویت مرزها و تعامل سازنده بین دو نیرو تأکید کردند.
سردار گودرزی در این دیدار با تأکید بر اینکه مرزهای جنوب شرق کشور نیازمند تجهیز و تقویت است، گفت: «تعامل بین سپاه و مرزبانی در این منطقه، موجب امنیت پایدار مرزها می‌شود که ضروری است این تعامل بیش‌ازپیش ارتقا یابد. مرزبانان استان سیستان‌وبلوچستان در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر، اشزار مسلح و گروهک‌های تروریستی اهتمام ویژه دارند و با هرگونه ناامنی در مرزهای جنوب شرق کشور برخورد خواهند کرد».
سردار محمد پاکپور نیز در این دیدار، امنیت مرزهای جنوب شرق کشور را مطلوب ارزیابی کرد و گفت: «مرزبانان اولین سنگر دفاعی نظام در مرزها هستند و بحمدالله مرزبانان در ایفای وظایف دفاعی خود عملکرد قابل‌قبولی ارائه کرده‌اند. تعامل سازنده بین سپاه پاسداران و مرزبانی در مناطق مرزی، امنیت و احساس امنیت را برای عموم مردم و مرزنشینان دوجندان می‌کند و از طرفی لریزه بر اندام معاندان و گروهک‌های تروریستی در نواحی پیرامونی مرزها می‌اندازد».